



University of Shahid Beheshti
Faculty of Literature and Human Sciences
Department of History

Journal of History of Iran

Vol 16, No 2, autumn & winter 2023

ISSN: 2008-7357

E-ISSN: 2588-6916



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2023.103487>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.2.0>

Research Paper

Iran's Foreign Trade from the third to fifth Centuries AH

1. Mohsen Eghbali ^{ID} / 2. Sayed Aladdin Shahrokhi ^{ID} / 3. Mojtaba Garavand ^{ID}

1. PhD candidate in History of Islamic Iran, Department of History and Archeology, Lorestan University, Lorestan, Iran, Email: eghbali.mo@ft.lu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of History and Archeology, Lorestan University, Lorestan, Iran, Email: shahrokhi.a@lu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of History and Archeology, Lorestan University, Lorestan, Iran, Email: garavand.m@lu.ac.ir

Received: 2022/12/19 PP 25-46 Accepted: 2023/05/10

Abstract

The present study aims to investigate the impact of the Samanid, Ghaznavid and Buyid governments on foreign trade in their respective territories based on an analytical method and archival-documentary data collection. The results show that the formation of the Samanid, Ghaznavid and Buyid states from the end of the third century AH led to a relative stabilization of the political situation, which in turn resulted in a growth of the urban economy, including markets, industry and especially trade. The large amount of Samanid silver coins found in Europe (due to the importation of slaves and other trade goods from Eastern Europe) indicates the outflow of a large amount of liquidity from Samanid territory, resulting in an unfavorable balance of trade. In the Ghaznavid period, on the other hand, liquidity increased due to the inflow of huge gold and silver reserves, which effectively facilitated trade and minting. In western Iran, the Buyids, unlike their two eastern neighbors, used the gold and silver reserves to support the textile industry, which allowed trade to flourish. Finally, a similar pattern can be observed in all three states: Measures such as minting coins of high fineness, maintaining the value of the coins, securing the roads by eradicating bandits, placing signposts in the deserts, building caravanserais and bridges over the rivers, Rabat and wells along the roads, which significantly increased and improved domestic and foreign trade.

Keywords: Iran, Foreign Trade, Third century, Liquidity, Balance of trade.

Citation: Eghbali Mohsen, and Sayed Aladdin Shahrokhi, and Mojtaba Garavand. 2023. «Iran's Foreign Trade from the third to fifth Centuries AH», Journal of History of Iran, autumn and Winter Vol 16, No 2, PP 25-46.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



مقاله پژوهشی

تجارت خارجی در ایران از قرن سوم تا اواخر قرن پنجم هجری قمری

۱. محسن اقبالی ^{id} / ۲. سید علاءالدین شاهرخی ^{id} / ۳. مجتبی گراوند ^{id}

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. رایانامه: eghbali.mo@ft.lu.ac.ir
۲. دانشیار گروه تاریخ و باستان شناسی دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، لرستان، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: shahrokh.a@lu.ac.ir
۳. دانشیار گروه تاریخ و باستان شناسی دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، لرستان، ایران. رایانامه: garavand.m@lu.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸ صص ۲۶-۴۶ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که طی قرون سوم تا پنجم قمری حکومت‌های سامانی، غزنوی و آل بویه چه تأثیری بر تجارت خارجی سرزمین‌های تحت سلطه خود نهادند؟ روش گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و روش نگارش تحلیلی است. نتایج پژوهش به شرح زیر است: با تشکیل دولت‌های سامانیان، غزنویان و آل بویه، از اواخر قرن سوم، اوضاع سیاسی تثبیت و در نتیجه امنیت نسبی برقرار گردید. از این رو، زمینه رشد موقعیت اقتصادی شهرها از جمله بازارها، صنایع و به‌ویژه دادوستد فراهم شد. حجم عظیم سکه‌های نقره سامانی یافت‌شده در اروپا (در نتیجه واردات برده و کالا از اروپای شرقی) نمایانگر خروج میزان زیادی نقدینگی از قلمرو سامانی است که تراز بازرگانی منفی و کاهش توان اقتصادی را در پی داشت. این در حالی است که در دوره غزنوی با ورود مقادیر عظیمی از ذخایر طلا و نقره نقدینگی افزایش یافت که در ضرب مسکوکات و تسهیل تجارت مؤثر بود. در غرب، آل بویه، برخلاف دو حکومت پیش‌گفته، صنعت منسوجات را تقویت کرد و از طریق تجارت را رونق داد. در نهایت الگوی مشابهی از این سه حکومت مشاهده می‌شود. اقداماتی همچون ضرب سکه با عیار بالا، حفظ عیار مسکوکات، برقراری امنیت راه‌ها از طریق سرکوب راهزنان، نصب علائم راهنمایی در بیابان‌ها، ساخت کاروانسرا و پل و رباط و چاه در مسیر راه‌ها بر رشد و گسترش تجارت داخلی و خارجی تأثیر بسزایی داشت.

واژه‌های کلیدی: ایران، تجارت خارجی، قرن سوم، نقدینگی، تراز بازرگانی.

استناد: اقبالی، محسن و سید علاءالدین شاهرخی و مجتبی گراوند. ۱۴۰۲. «تجارت خارجی در ایران از قرن سوم تا اواخر قرن پنجم هجری قمری»، مجله تاریخ ایران، پاییز و زمستان، سال ۱۶، شماره ۲، ۲۶-۴۶.



مقدمه

وضعیت اقتصادی ایران، به‌ویژه در تجارت داخلی و خارجی، از قرن سوم تا اواخر قرن پنجم رشد خوبی داشت. مسلماً این امر متأثر از سلسله‌هایی بود که هر یک بر قسمتی از ایران، از شرق و شمال شرقی تا مرکز و جنوب و جنوب غربی، فرمان می‌راندند. این حکومت‌های ایرانی و ترک پس از استقرار حاکمیت خود شرایطی از ثبات نسبی را ایجاد کردند که در رونق اقتصادی منطقه تحت نفوذ آنها مؤثر بود. البته تراز اقتصادی منطقه هم بر سرنوشت هر کدام از این حکومت‌ها تأثیر داشت. قلمرو خلافت عباسی که از فرارود در شرق تا بخش‌هایی از آفریقا و اسپانیا در غرب وسعت داشت، خود یکی از بازارهای مهم مصرف بود که تقاضا برای کالا در آن بسیار بود و همین موضوع سبب شده بود اسباب تسهیل تجارت فراهم شود و تجارت داخلی و خارجی، یا به بیان آن زمان اوضاع معامله و مسافره، رو به رشد و شکوفایی باشد. موقعیت جغرافیایی ایران نیز که در میانه این قلمرو گسترده قرار گرفته بود، در کنار ظهور حکومت‌های مختلف در آن که امنیت مناطق تحت سیطره را فراهم می‌کردند، در ایجاد دوره‌هایی از رشد اقتصادی و تجارت داخلی و خارجی تأثیر داشت.

این پژوهش بر آن است تا تأثیر سه حکومت متقارن سامانی و غزنوی در شرق و بویه‌یان در غرب را بر تجارت خارجی قلمرو آنها بررسی کند. بر این اساس، سؤالات پژوهش عبارت‌اند از: سلسله‌های حاکم بر ایران در فاصله قرن سوم تا اواخر قرن پنجم چه تأثیری بر رشد یا رکود تجارت خارجی داشتند؟ صادرات و واردات چه کالاهایی رونق بیشتری داشت؟ سیاست‌های حاکمان چه تأثیری بر تراز بازرگانی نهاد؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که سیاست‌های اجتماعی-اقتصادی سلسله‌های سامانی، غزنوی و آل بویه منجر به رشد و رونق تجارت داخلی و خارجی قلمرو تحت سلطه آنها شد.

درباره شرایط اقتصادی و تجاری ایران در زمان حکمرانی این سه حکومت تا به حال پژوهش‌هایی شده است که به‌اختصار به آنها اشاره می‌شود. پرگاری^۱ عوامل تکوین ساختار اقتدار را در حکومت سامانیان بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که در بررسی زمینه‌های اجتماعی پیدایش حکومت سامانیان، دهقانان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری حکومت سامانی چهره می‌نمایند. پس از سقوط طاهریان، دهقانان برای حفظ موقعیت خود و یافتن مقام و منزلتی برتر به تکاپو می‌افتند و پس از به حکومت نشاندن خاندان سامانی، به ارکان ساختار حکومتی آنان راه می‌یابند. پرگاری^۲ در پژوهشی دیگر به فروپاشی ساختار قدرت غزنویان پرداخته است. از نظر او، سلطان محمود غزنوی توانست با کسب پیروزی‌های افتخارآمیز نظامی و برخورداری از غنایم سرشار مناطق مفتوح، حکومت خودکامه

۱. صالح پرگاری، «پاره‌ای از عوامل تکوین ساختار اقتدار در حکومت سامانیان»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۳۲، ص ۱۲۹-۱۴۳.

۲. صالح پرگاری، «فروپاشی ساختار قدرت غزنویان»، علوم انسانی الزهراء، ش ۱۳، ص ۴۳-۴۶.

غزنویان را به اوج برساند، گرچه جانشین او، سلطان مسعود، با اتخاذ تصمیمات نابخردانه، از جمله کنار گذاشتن نخبگان قدرتمند زمان پدرش، موجبات فروپاشی غزنویان را فراهم آورد. وثوقی مطلق^۱ در پژوهشی روابط آل بویه و مصر را بررسی کرده است. به نوشته وی، روابط آل بویه و مصر از زمان تثبیت سلطه فاطمیان بر مصر شروع شد. انتظار می‌رفت دو دولت شیعی، به دلیل اشتراکات مذهبی، تعاملات دوستانه‌ای با یکدیگر داشته باشند، اما منافع و مصالح سیاسی مانع تحقق این امر شد. به‌رغم دشمنی سیاسی، در پاره‌ای موارد شواهدی از روابط صلح‌جویانه و تبادل نامه و سفیر وجود دارد. پناهنده شدن برخی از شاهزادگان آل بویه به مصر در گریز از رقبای خویش، سندی متقن بر این مدعاست. نوع‌پسند و عیسوی^۲ در مقاله‌ای سیاست‌های اقتصادی حکومت‌های سامانی و غزنوی را بررسی کرده و به این نتایج دست یافته‌اند: نظام مالی و اقتصادی این دولت‌ها مبتنی بر اخذ مالیات‌های معمول بود که شامل خراج و مالیات‌های ویژه می‌شد؛ خراج یا مالیات بر زمین و محصولات کشاورزی مناطق تحت سیطره که برای گردآوری آن کارگزاران سلاطین با توده‌های مردم در ارتباط مستقیم بودند. به علاوه، این دولت‌ها منابع مالی خویش را از طریق دادوستد، کشاورزی، تجارت بین‌الملل به‌ویژه در زمانی که بازرگانان برای خزانة تجارت می‌کردند، غارت‌ها، غنایم جنگی، در معرض فروش گذاشتن مناطق غارت‌شده و فروش اسرا تأمین می‌کردند. ایزدی و همکاران^۳ به بررسی نقش بخارا در شکوفایی سامانیان پرداخته‌اند. به نوشته آنان، شهر بخارا پس از آنکه به‌عنوان پایتخت سامانیان انتخاب شد رشد قابل توجهی کرد. سامانیان توانستند با تکیه بر جایگاه معنوی خلافت عباسی و ایجاد امنیت، ثبات و آرامش در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، این شهر را به «قبه الاسلام» و مرکز دینی و مدنی در شرق جهان اسلام تبدیل نمایند. خدادادی^۴ نیز در پژوهشی به تحلیل جامعه‌شناختی اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی دوره سامانیان پرداخته است. از نظر او سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های صنفی و قشربندی اجتماعی، سیاست‌های عمرانی و معماری، سیاست‌های دینی و مذهبی، سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های علمی، سیاست‌های اجتماعی و سیاست‌های امنیتی و کشورداری از دلایل اصلی شکوفایی تمدن سامانیان بوده است. پژوهش حاضر با تکیه بر منابع فارسی و همچنین منابع جدید خارجی که عمدتاً براساس تحقیقات باستان‌شناختی و کشف مسکوکات دوران سامانی در اروپای شرقی و اسکاندیناوی است به بررسی سیاست‌ها و اقدامات دو حکومت سامانی و غزنوی در شرق ایران از یک سو و آل بویه در غرب ایران از

۱. رجعی وثوقی مطلق، «روابط آل بویه و مصر»، پژوهشنامه تاریخ، ش ۸، دوره ۳، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶-۱۸۰.

۲. محمد نوع‌پسند اصیل، هیرو عیسوی، «سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی»، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ش ۲، دوره ۳ (۱۳۹۲)، ص ۹۹-۱۲۵.

۳. حسین ایزدی، سید محمد حسینی، «بخارا و نقش سامانیان در شکوفایی آن»، تاریخ اسلام، ش ۲، پیاپی ۶۲ (تابستان ۱۳۹۴)، ص ۱۱۵-۱۳۹.

۴. عزت‌اله خدادادی، «تحلیل جامعه‌شناختی اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی دوره سامانیان»، توسعه اجتماعی، ش ۲، دوره ۱۳ (اسفند ۱۳۹۷)، ص ۱۹۴-۱۶۳.

سوی دیگر در زمینه تجارت خارجی پرداخته است.

سامانیان

سرزمین‌های وسیع خراسان و فرارود در شمال شرق ایران با مرکزیت دو شهر مهم بخارا و سمرقند دارای ویژگی‌های لازم برای توسعه حکومت سامانیان بودند. از جمله این ویژگی‌ها موقعیت جغرافیایی بود. قرار گرفتن در گذرگاه شرق به غرب و در محل عبور کاروان‌های تجارتي از شرق دور به غرب به طور طبیعی فرصت تجارت و دادوستد را در اختیار ساکنان فرارود قرار می‌داد. فرارود از دوره ساسانی جامعه‌ای سوداگر بود.^۱ سغدیان که ساکنان بومی دره زرافشان در میان سیحون و جیحون بودند از دیرباز به تجارت معروف بودند. یافته‌های باستان‌شناختی اخیر نقش مهم آنان را در تجارت جاده ابریشم روشن ساخته است.^۲ فرارود از سمت شرق به آسیای مرکزی متصل می‌شد که در نهایت به چین می‌رسید. ترکان صحراگرد آسیای میانه به خاطر سبک زندگی چادرنشینی خود نیازمند کالاهای مردمان یکجانشین فرارود بودند که مهم‌ترین این کالاها پوشاک بود و توسط یکجانشینان ایرانی تولید می‌شد. در مقابل، ساکنان ایرانی مناطق یکجانشین نیز نیازمند محصولات دامپروری ترکان همچون لبنیات، پشم و گوشت بودند. بنابراین، زندگی آنها بر پایه دادوستد این محصولات بود.^۳ و مبادلات پایاپای در این قسمت اساس روابط بازرگانی میان مردمان یکجانشین و صحرانورد بود. با توجه به شیوه معیشت مردم منطقه در دو سوی مرز که مبادلات کالا به کالا را ایجاد می‌کرد، موازنه تراز بازرگانی برقرار بود. به این ترتیب، در این منطقه شیوه‌های تولیدی کشاورزی، دامداری، صنایع کارگاهی در ارتباط و همبستگی با یکدیگر و همسو با ساختار اقتصادی عمل می‌کردند.

در غرب فرارود خوارزم قرار داشت که خود مرکز تجاری بود و از طریق آن به منطقه بلغارها و خزرها متصل می‌شد. این موقعیت جغرافیایی ترانزیتی افزایش مسافران و تاجران و به تبع آن افزایش رباط و مهمانخانه‌ها را در پی داشت که خود عامل رونق اقتصادی منطقه بودند. به نوشته منابع، تعداد مهمانخانه‌های فرارود بسیار زیاد بود. اصطخری رقم ده هزار را بیان کرده است.^۴ از سوی دیگر فرارود مقصد نهایی شاهراه خراسان بود که از سمت غرب تا بغداد امتداد داشت. ویژگی دیگر سرزمین فرارود حاصلخیزی آن بود. به گزارش منابع، قحطی به ندرت در آن اتفاق می‌افتاد و معمولاً ذخیره غلات مانع از قحطی می‌شد.^۵

۱. ن. فرای، «تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (کمبریج)»، ترجمه حسن انوشه، ج ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۱۲۸.
2. Xinjiang Rong, *sogdian merchants and sogdian culture on the silk road merchants-and-sogdian-culture-on-the-silk-road (2018)*, p. 185, <https://www.cambridge.org/core/terms>.

۳. و. بارتولد، تاریخ ترک‌های آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی (تهران: توس، ۱۳۷۶)، ص ۸۶.

۴. ابواسحق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰)، ص ۲۲۸.

۵. ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه دکتر جعفر شعار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶)، ص ۱۹۴.

حکومت سامانیان در فرارود منشأ دفاعی داشت، بدین معنی که استقرار آنها در این منطقه از زمان طاهریان به منظور دفاع از آن در برابر تاخت و تازهای ترکان مشرک بود.^۱ اسماعیل سامانی (۲۷۹-۲۹۵ق)، با لشکرکشی علیه ترکان صحرانورد آسیای میانه، امنیت بخارا و سمرقند را کاملاً تأمین کرد و گرد این دو شهر دیوار و برج و بارویی ساخت.^۲

آسیای میانه منبع ثروت امیران سامانی نیز بود. به این ترتیب که تجارت برده از مهم‌ترین اقلام تجاری تحت کنترل آنها به شمار می‌رفت و حجم بسیار واردات برده، به‌ویژه بردگان ترک، بر سرنوشت سیاسی حکومت سامانی و حتی خلافت عباسی تأثیرگذار بود. در واقع دوره حکومت امیران سامانی را می‌توان دوره اوج تجارت برده دانست که نتایج اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در پی داشت. به این ترتیب، گسترش تجارت برده از طریق آسیای میانه را می‌توان وجه مشخصه حکومت سامانی دانست. افزایش تقاضا برای غلامان ترک از عوامل رشد این تجارت بود، زیرا خلافت عباسی و حکومت‌های دیگر غلامان ترک را به‌عنوان نیروی نظامی به کار می‌گرفتند. عوارض واردات برده از سرحدات فرارود سهم بزرگی از عواید حکومت سامانی را به خود اختصاص می‌داد.^۳ بنابراین، حکومت سامانی با واردات برده نقش مهمی در رشد و رونق تجارت طی قرون سوم و چهارم داشت.

تجارت برده اثرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دیرپایی بر ایران و خلافت عباسی به جا نهاد. تغییر توازن جمعیتی فرارود به نفع ترکان که با افزایش شمار آنها همراه بود، از نتایج اجتماعی این امر بود. از اثرات سیاسی گسترش تجارت برده در دوره سامانی نیز تأسیس حکومت ترک‌نژاد غزنوی بود که الگوی نژادی حکومت را در ایران تغییر داد. افزایش شمار تاجران که عده بسیاری از آنها در تجارت برده فعال بودند و پیشی گرفتن آنان بر دهقانان از نتایج اقتصادی-اجتماعی این نوع تجارت بود.^۴ بنابراین، می‌توان گفت افزایش فعالان عرصه تجارت خارجی (عمدتاً تاجران برده) به تغییر ساختار اقتصادی انجامید که این امر به نوبه خود موازنه بازرگانی را تحت تأثیر قرار داد، زیرا با افزایش واردات برده در قبال مسکوکات، میزان نقدینگی کاهش یافت. به عبارت دیگر، با پیشی گرفتن واردات بر صادرات که در این دوره عمدتاً شامل واردات برده می‌شد، تراز بازرگانی نیز منفی شد. تراز بازرگانی که متأثر از تجارت خارجی است، بسته به میزان ارزش صادرات در مقابل واردات می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در بررسی تراز بازرگانی دوره سامانی توجه به روابط تجاری این حکومت با سرزمین‌های مختلف ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه

۱. ک.ا. باسورث، «طاهریان و صفاریان»، در تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، به کوشش ر.ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، ج ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۸۷.

۲. محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، ترجمه محمد بن جعفر، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی (تهران: توس، ۱۳۶۳)، ص ۴۸.

۳. ک.ا. باسورث، «دوره اول غزنوی»، در تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، به کوشش ر.ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، ج ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۱۴۳.

۴. ر.ن. فرای، «سامانیان»، در تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه حسن انوشه، ج ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۱۳۴.

به اینکه سرزمین‌های مختلف از چین و آسیای میانه تا اروپای شرقی و شمالی شرکای تجاری مستقیم سامانی بودند، در ادامه به روابط تجاری سامانیان با این سرزمین‌ها و تأثیر آن بر تراز بازرگانی می‌پردازیم. پیشتر اشاره شد که در نتیجه شرایط مساعدی که در دوره سامانی فراهم گردید، سرشت سوداگری منطقه فرارود شکوفا شد و تجارت خارجی در گستره وسیعی از آسیای مرکزی و چین در شرق تا شمال شرقی اروپا در غرب رونق یافت. راهی که از آسیای مرکزی تا اروپای شرقی امتداد می‌یافت «خز» نام داشت. در قرن چهارم که اوج رونق مسیر خز بود، خز و برده از اسکاندیناوی، روسیه و اروپای شرقی در مقابل نقره‌های سامانی با وایکینگ‌ها مبادله می‌شد. در واقع در این دوره دولت سامانی، به‌عنوان قدرتی سیاسی با توان مالی بالا، حجم عظیمی از سکه‌های نقره را با پشتوانه معادن بزرگ نقره ضرب می‌کرد و از طریق تأمین ارز مورد نیاز برای تجارت در مسیر خز، جریان دادوستد با بلغارها، خزرها، روس‌ها و اقوام اروپای شرقی را فراهم می‌آورد که کالاهای خود را در قبال مسکوکات عرضه می‌کردند. به این ترتیب، مسکوکات نقره سامانی جذب اقتصاد این مناطق شد.

بنا به تحقیقات جدید سکه‌شناسی، نقش این مسکوکات در چرخه اقتصادی تاریخ نخستین روس‌ها و وایکینگ‌های اروپای شمالی انکارناپذیر است.^۱ در واقع مهم‌ترین طرف‌های تجاری سامانیان در این مسیر کالاهای خود را در مقابل مسکوکات سامانی مبادله می‌کردند. آنها از این طریق تراز بازرگانی را به نفع خود تغییر دادند که کاهش توان اقتصادی سامانیان را در پی داشت. در قرن چهارم، وایکینگ‌ها نوار گسترده‌ای را از اسکاندیناوی تا رود ولگا اشغال کرده بودند. ذخایر بسیاری از سکه‌های نقره سامانی در اروپا یافت شده است. این امر نشان می‌دهد مسکوکات سامانی وجه رایج این مناطق بوده است و وایکینگ‌ها در مبادلات خود از آن استفاده می‌کرده‌اند، چرا که خود فاقد معادن نقره برای ضرب سکه بوده‌اند. در نروژ تعداد ۷۰۰ سکه سامانی، در دانمارک ۵۰۰۰ سکه، در سوئد ۸۵۰۰۰ و در روسیه در نواحی ولگا ۲۵۰۰۰۰ سکه یافت شده است.^۲ در یک پژوهش میزان کل مسکوکات کشف‌شده سامانی در اروپا صد و بیست و پنج میلیون تخمین زده شده که تمام آن در طی قرن چهارم وارد اروپا شده است.^۳ سامانیان با غفلت از سیاست‌گذاری صحیح در زمینه صادرات و واردات، بدون اینکه در پی افزایش صادرات محصولات کشاورزی و یا کالاهای ساخته‌شده همچون پارچه باشند که به‌ویژه در خراسان تولید می‌شد، بر واردات خود افزودند که بیش از همه شامل بردگان می‌شد. این سیاست نتایج زیانباری داشت. به عبارت دیگر، ممالک روس، بلغار، اسلاو و وایکینگ‌ها که طرف‌های عمده تجارت خارجی سامانیان

1. Roman Kovalev, "Dirham mint output of Samanid Samarqand and its connection to the beginnings of trade with northern Europe (10th century)", *Histoire & mesure XVII*, 3/4 (2002), p. 2.

2. Melanie Michailidis, "Samanid silver and trade along the fur route", In *Medieval Encounters* 18, (2012), pp. 315-338.

3. Kovalev, p.1.

بودند، با مدیریت هوشمندانه صادرات کالاهای پرطرفدار خود ثروت و سرمایه را از قلمرو سامانیان به سرزمین‌های خود هدایت کردند که موجب شد طی یک قرن، سامانیان پشتوانه مالی خود را در نتیجه تراز بازرگانی منفی از کف بدهند. این در حالی بود که در روابط اقتصادی آنها با دیگر شرکای تجاری، از جمله چین، نوعی موازنه بازرگانی در واردات و صادرات برقرار بود.

با توجه به حجم عظیم سکه‌های نقره یافت‌شده، نتیجه دیگر این تراز تجاری منفی خروج نقدینگی از قلمرو سامانی بود، چرا که واردات بر صادرات برتری یافته بود. این بدان معنی است که مسکوکات، به‌عنوان پشتوانه مالی برای فعالیت‌های اقتصادی، در قبال کالا (برده) از چرخه اقتصادی خارج شد که خود به معنی هدررفت سرمایه و کاهش توان مالی ساختار اقتصادی قلمرو بود که نتیجه آن اختلال سایر فعالیت‌های تولیدی سه بخش اصلی، یعنی کشاورزی، دامداری و صنایع کارگاهی، بود.

بررسی مسکوکات نقره کشف‌شده از غرب اوراسیا نشان می‌دهد این سکه‌ها که تاریخ ضرب آنها مربوط به قرن چهارم است، همزمان با دوره اوج تجارت وایکینگ‌ها و عمدتاً برای تجارت با اروپای شمالی تولید شده‌اند. ضربخانه اصلی سامانیان در سمرقند بود که عمدتاً در اواخر قرن سوم و به‌ویژه اوایل قرن چهارم مرکز ضرب سکه نقره بود. این دوره اوج تجارت اروپای شمالی و آسیای میانه است. سقوط فاجعه‌بار ضرب سکه در نیمه دوم قرن چهارم نمایانگر افت عمومی اقتصاد سامانی پس از این دوره و ضرب بی‌رویه سکه است.^۱ با توجه به تعداد مسکوکات کشف‌شده که چنانکه گفته شد در مجموع شامل صد و بیست و پنج میلیون می‌شد و طی قرن چهارم از قلمرو سامانی به اروپای شمالی صادر شده بود، به طور متوسط هر سال یک میلیون و دویست و پنجاه هزار درهم از قلمرو سامانی خارج شده است.^۲ با توجه به گسترش روابط تجاری خارجی روند خروج نقدینگی و تراز منفی بازرگانی همچنان ادامه داشت. از شرکای تجاری دیگر در این مسیر خزرها بودند. مراکز مهم شهری امپراتوری خزر همچون اتیل، سامباتا و تموتارخا قطب‌های عمده تجاری و مراکز تولید کالاهای صادراتی همچون پشم، عسل و سفال بودند. این محصولات از طریق تاجران ایرانی خوارزم و دیگران به سرزمین‌های ایران و خلافت عباسی صادر می‌شد.^۳ بنابراین، بخش دیگری از نقدینگی حکومت سامانی از این طریق خارج می‌شد. ضرب سکه و حفظ عیار آن از دیگر اقدامات تسهیل‌کننده تجارت است که دولت سامانی از این ظرفیت برخوردار بود، هرچند بدون توجه به حفظ تراز بازرگانی موجب خروج مسکوکات و بر باد رفتن ثروت قلمرو شد. در قلمرو تحت سلطه سامانیان، بیشترین تعداد سکه‌خانه‌ها در شرق یعنی خراسان و فرارود

1. Ibid, p. 6.

2. Ibid, p. 1.

3. Brian Gotesman, *World History Encyclopedia*, https://www.academia.edu/4810010/The_Empire_of_the_Khazars, (2011).

و سیستان بود که شهرهای زیادی از جمله سمرقند و بخارا را دربرمی گرفت.^۱ وجود معادن بسیار «طلا، نقره، جیوه و آهن» در فرارود امکان ضرب مسکوکات با عیار بالا را برای سامانیان فراهم ساخته بود،^۲ گرچه تولید بیش از حد سکه‌های نقره و صدور آن از طریق تجارت موجب افت کلی اقتصاد شد. مساعد شدن شرایط در حکومت سامانی، رشد تجارت خصوصی را نیز در پی داشت که در مسیر جاده ابریشم به سمت شرق یعنی چین انجام می‌شد. در این مسیر بازرگانان سغدی فعال بودند که در طول این مسیر از چین تا ترکستان و ماوراءالنهر مهاجرنشین‌هایی برای خود تأسیس نموده و از این رو محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف شرق تا چین بودند. همین امر موجب شده بود سبک لباس پوشیدن زنان سغدی شبیه زنان چینی باشد.^۳ اولین مرکز از قلمرو سامانیان که در مسیر ارتباطی «چین» قرار داشت، سمرقند و پس از آن بخارا بود. این دو شهر محل تردد بسیاری از بازرگانان چینی بودند. نرشخی در توصیف پیکند (بیکنند)، یکی از محله‌های جنوب غربی بخارا، می‌نویسد: «اهل بیکنند جمله بازرگانان بوده‌اند و بازرگانی چین و دریا کردند و به‌غایت توانگر بوده‌اند.»^۴ کالاهایی که از چین به قلمرو سامانیان وارد می‌شد عبارت بود از اجناس ابریشمی، ظرف‌های چینی، کاغذ، پشم، کافور، دارچین، توتیا، ربوند، دارپرینان، آینه، دکمه، زورق، فندک، چخماق، سوهان، سوزن، قیچی، فولاد و آلات چدنی و داروهای طبی. در مقابل، از ایران الماس، نقره و پارچه کرکی به چین صادر می‌شد. ناگفته نماند مهم‌ترین مال التجاره‌ای که از ایران به چین صادر می‌شد اسب بود.^۵ ظروف چینی به‌عنوان اشیای تجملی عمدتاً مورد تقاضای فرادستان بود. نکته قابل توجه در مورد روابط تجاری با چین آن است که چینی‌ها، برخلاف دیگر شرکا، تمایلی به مسکوکات نقره سامانی نداشتند.^۶ از این رو، روابط اقتصادی با چین نمی‌توانست بر موازنه بازرگانی از طریق جذب گسترده مسکوکات تأثیرات منفی نهاده باشد.

رشد تجارت دولتی و خصوصی که افزایش تاجران و البته خروج قابل توجه نقدینگی را در پی داشت، با یک تغییر دیگر نیز همراه بود و آن افول طبقه دهقانان و البته فرار روستاییان از روستاها به شهرها بر اثر کاهش تولید و بیکاری بیش از حد بود. آنها به دلیل پرداخت مالیات‌های بیش از حد چاره‌ای جز این نداشتند.^۷ به عبارت دیگر، با خروج نقدینگی از قلمرو، بار تأمین هزینه‌های حکومت بر دوش دهقانان نهاده شد و آنها که توان تحمل این فشار را نداشتند از پای درآمدند.

۱. ج. ک. مایلز، «سکه‌شناسی»، در تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، به کوشش ر. ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، ج ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۳۲۶.

۲. اصطخری، ص ۲۲۷.

3. Rong Xinjiang, *sogdian merchants and sogdian culture on the silk road* *merchants-and-sogdian-culture-on-the-silk-road*.

۴. نرشخی، ص ۲۶.

۵. علی مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه مرتضی راوندی (تهران: مرکز نشر سپهر، ۱۳۴۸)، ص ۳۹۵.

۶. ر. ن. فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، ج ۲ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۷. ر. ن. فرای، تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، به کوشش ر. ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، ج ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۱۳۴.

در واقع، در نتیجه شرایط مساعدی که در قلمرو تحت سلطه سامانیان ایجاد شد، تجارت خارجی، به‌عنوان جزئی مهم و اثرگذار بر ساختار اقتصادی و تراز بازرگانی، از سایر شیوه‌های زیست اقتصاد کشاورزی، زیست دامپروری و زیست تولید صنایع پیشی گرفت. اما به دلیل عدم نظارت و مدیریت صحیح حکومت، تراز بازرگانی از مدار طبیعی خارج شد و همزمان با کاهش توان مالی حکومت، بر سایر افراد شاغل در بخش‌های اقتصادی فشار مضاعفی وارد آمد. بدین ترتیب، بر اثر بی‌برنامگی تجارت خارجی و به تبع آن کسری تراز بازرگانی، ساختار اقتصادی جامعه که حاصل عملکرد متقابل شیوه‌های تولیدی بود مختل شد. سرانجام، با تضعیف هرچه بیشتر سامانیان و در نهایت سقوط آنها روند صدور سکه کاهش یافت. حکومت جایگزین آنها، یعنی حکومت غزنوی، به اقتضای مرکز قلمرو خود سیاستی متفاوت را در پیش گرفت که در ادامه می‌آید.

غزنویان

پیدایش حکومت غزنوی از نتایج رشد تجارت برده و حضور پرشمار آنان در دستگاه سامانی بود. با توجه به مجاورت قلمرو غزنویان با هند، به‌عنوان شریک تجاری، تجارت خارجی دوره غزنوی عمدتاً حول محور روابط با هند بود که در ادامه توضیح آن خواهد آمد.

یکی از مهم‌ترین وقایع دوره حکومت غزنوی حملات متعدد به هند و تصرف خزاین این سرزمین بود. برده‌گیری نیز از دیگر نتایج حملات غزنویان به هند بود. حملات محمود غزنوی به هند از نظر مشروعیت‌بخشی و البته شرایط اقتصادی دستاوردهای چشمگیری برای وی داشت. نخستین تهاجم محمود غزنوی به هند در سال ۳۹۲ق روی افتاد که ثمره آن کسب غنایم بسیار از جمله برده و جواهرآلات بود.^۱ به گزارش منابع، ارزش طلا و نقره و جواهراتی که محمود در حمله سال ۴۱۶ق به دست آورد سه میلیون دینار به اضافه بردگان بی‌شمار بود که به معنای افزایش نقدینگی و پشتوانه مالی حکومت غزنوی بود.^۲ ورود حجم عظیمی از ذخایر طلا و جواهر در ضرب سکه و حفظ عیار مسکوکات تأثیرگذار بود. غزنویان، به اعتبار این ذخایر عظیم، مسکوکات طلا و نقره بسیاری با عیار بالا ضرب و وارد مبادلات کردند و شاید به همین دلیل بود که سکه‌های مسین کمتری در مجموع مسکوکات آنها مشاهده شده است.^۳ این امر نقش مهمی در رشد و رونق وضعیت اقتصادی بخش‌های مختلف از جمله تجارت داشت و یکی از عوامل مهم گسترش تجارت در سرزمین‌های تحت سلطه حکومت غزنوی بود. از سوی دیگر، دو کالای مبادلاتی مهم آن روز، یعنی برده و نیل به همراه فیل، از دیگر غنایم حملات

۱. ابوسعید عبدالحی ابن ضحاک بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، به تصحیح عبدالحی حبیبی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۳۸۶.

۲. ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، ترجمه تاریخ بیهیمی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵)، ص ۳۸۶.

۳. کلیفورد ادموند باسورث، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ص ۷۶.

به هند بود که تقاضا برای آنها زیاد بود و صادرات مهم هند را تشکیل می‌دادند. ارزآوری و تأثیر مثبت این مال‌التجاره‌های گرانبها بر تراز بازرگانی غزنویان انکارناپذیر است، چرا که از منابع مهم ثروت به شمار می‌رفتند. نیل از جمله کالاهای ارزشمندی بود که سلاطین غزنوی به رسم هدیه به دربار خلافت می‌فرستادند و در واقع از این طریق بخشی از هزینه‌های حکومت را تأمین می‌کردند.^۱

چنانکه اشاره شد، یکی دیگر از نتایج فتوحات سلاطین غزنوی در هند به واردات برده مربوط می‌شد. همچون حکومت سامانی که واردات برده از فرارود را تحت نظارت خود گرفته بود، حکومت غزنوی نیز در واردات برده از مرز شرقی و در مقیاس وسیع فعال بود، البته با این تفاوت که در دوره غزنوی واردات برده در ازای پرداخت پول نبود و از این رو تأثیر اقتصادی دوچندانی در اقتصاد و تجارت داشت. از نظر تجاری، ورود بردگان بی‌شمار موجب رونق بازار برده در غزنه شده بود.^۲ بردگانی که از هند غنیمت گرفته می‌شدند بخشی از صادرات حکومت غزنوی را تشکیل می‌دادند که این امر بر تراز بازرگانی مؤثر بود، زیرا جذب ثروت را در پی داشت. بنابراین، در طی قرن چهارم بخش عمده‌ای از مبادلات بازرگانی (به دلیل وجود تقاضای فراوان به این مال‌التجاره) به «تجارت برده» اختصاص داشت و در این میان غزنویان به صادرکننده عمده بردگان تبدیل شدند. این در حالی بود که در دوره سامانی، بیشتر این بردگان از سرزمین‌های ترکان و ماوراءالنهر به نقاط دیگر فرستاده می‌شدند. فراوانی بردگان هندی از این گزارش تاریخ یمینی پیداست: «چون سلطان از دیار هند مظفر و منصور با اموال موفور و نفایس نامحصور بازگشت، چندان برده بیاورد که نزدیک بود که مشارب و مشارع غزنه بر ایشان تنگ آید و ماکل و مطاعم آن نواحی بدیشان وفا نکند، و از اقصای اقطار اصناف تجار روی به غزنه آوردند.»^۳ به این ترتیب، می‌توان گفت صادرات برده بر واردات پیشی گرفته و موازنه بازرگانی برقرار شده بود.

به نظر می‌رسد در نتیجه دستیابی به غنایم فراوان، جریان فعالیت‌های مبادلاتی سرعت یافت؛ راه‌های خشکی منتهی به هندوستان بیشتر از دوره‌های پیش اهمیت یافتند و نقاطی که بر سر این راه‌ها مستقر بودند، از جمله غزنه، کابل، بلخ، قصدار و بسط به پایگاه و پناهگاهی برای بازرگانان سایر نقاط تبدیل شدند. چنانکه، به گزارش منابع، بر اثر حملات مکرر به هند «راه قوافل تجار میان دیار خراسان و هندوستان گشاده شد.»^۴ این امر تسهیل و گسترش تجارت با هند را در پی داشت که خود در تقویت و رشد اقتصادی قلمرو غزنویان مؤثر بود. به‌ویژه غزنه که پایتخت غزنویان بود، در این قرن توانست به منبع ثروت‌های هند تبدیل شود و همانند بخارا که در عهد سامانیان به دلیل موقعیت ارتباطی-سیاسی،

۱. ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی (مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳)، ص ۲۵۳.

۲. جرفادقانی، ص ۲۸۶.

۳. همان.

۴. همان.

لقب «مدینه التجار (شهر بازرگانان)» را یافته بود، غزنه نیز توانست چنین جایگاهی را کسب کند. بنیامین طلیطله‌ای، سیاح پهلوی، غزنه را شهری تجاری و مرکز تجمع بازرگانان کشورهای مختلف با زبان‌های گوناگون معرفی کرده است که برای دادوستد کالاهای خود در آنجا گرد می‌آمدند.^۱ علاوه بر آن، اقدام سلطان محمود در سرکوبی طوایف نافرمان در کوهستان‌های میان غزنه تا هند در ادامه نظارت‌های حکومتی با هدف گسترش امنیت در نواحی مختلف بود. بیهقی از به دار آویخته شدن راهزنی به نام علی قهندزی گزارش می‌دهد که در راه‌ها به کاروان‌ها حمله می‌کرد.^۲ این گزارش نشانگر توجه حکومت به برقراری امنیت و تنبیه و مجازات افرادی است که باعث نابه‌سامانی نظم اجتماعی می‌شدند. با توجه به این شرایط، گزارشی مبنی بر شرکت بازرگانان در کارهای عام‌المنفعه وجود دارد که مطابق آن در نتیجه سیلی که در غزنه رخ داد و پل معروف به «پل بامیان» ویران شد، بازرگانی به نام «عبویه» پل جدیدی ساخت.^۳ این واقعه از وجود زمینه‌های لازم برای کسب و کار بازرگانان و علاوه بر این، از ثروتمندی آنان حکایت دارد. هند از دیرباز یکی از طرف‌های تجاری ممالک ایران به شمار می‌رفت. بدین ترتیب، گسترش راه‌های مواصلاتی در مسیر هند تسهیل هرچه بیشتر تجارت با این سرزمین را در پی داشت که بر رونق بازرگانی قلمرو غزنوی مؤثر بود. از سوی دیگر، با توجه به موقعیت جغرافیایی قلمرو غزنوی، طرف اصلی آن در تجارت خارجی سرزمین هند بود که قبلاً ذخایر شمش و طلای آن به همراه بردگان وارد قلمرو غزنوی شده بود. بنابراین، تراز بازرگانی با هند تا حد زیادی مصون از آسیب بود.

علاوه بر تجارت برده، غزنویان از بردگان به‌عنوان نیروی کار ارزان در بخش‌های مختلف اعم از بخش خانگی به‌عنوان خدمه، کارگر مزرعه، آوازه‌خوان و نوازنده در کاخ شاهی و سرانجام نیروی نظامی استفاده می‌کردند. به عبارت دیگر می‌توان گفت بردگان منبع قدرت و قوت بازار کار، ابزار آسایش جامعه و نیروی جنگ و سپاهی‌گری بودند.^۴ بنابراین، حکومت غزنوی با تأمین امنیت راه‌ها، به‌ویژه راه‌های منتهی به هند، تجارت میان هند، خراسان و غزنه را رونق داد و جریان صادرات و واردات میان سرزمین‌های قلمرو غزنویان با مناطق همجوار در شرق شمال شرقی تسهیل شد.

علاوه بر آنچه گفته شد، حکومت غزنوی با وارد کردن حجم عظیمی از ذخایر طلا و جواهرات از هند و افزایش پشتوانه نقدینگی نقش مهمی در شکوفایی اقتصادی سرزمین‌های تحت سلطه داشت. می‌توان گفت علت تداوم رشد خراسان و فرارود، به‌رغم جنگ و دیگر بلایا، در قرن پنجم میزان زیاد نقدینگی

1. Elkan Nathan Adler, *Jewish travellers* (London: G. Routledge, 1930), p. 53.

۲. ابوالفضل محمد بیهقی، تاریخ بیهقی (تهران: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳)، ص ۲۸۶.

۳. همان، ص ۲۷۸.

۴. محمد کاظم مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ص ۸۹.

بود که حکومت غزنوی به اقتصاد این سرزمین‌ها تزریق کرده بود.^۱ در پایان ذکر این نکته ضروری است که حکومت غزنوی از اوایل قرن پنجم دیگر قادر نبود مطابق کارکرد سنت پادشاهی ایرانی-اسلامی عمل کند که این امر ناامنی در مرزهای شرقی و اُفت تجارت را در پی داشت. در منابع این دوره به رنج و ناراحتی مردم خراسان از هجوم و دستبرد ترکمنان اشاره شده است.^۲ این وضعیت به تدریج وخیم‌تر شد، تا جایی که در سال‌های پایانی فرمانروایی سلطان مسعود نظم امور مختل گردید و بر نفوذ تدریجی نیروی ترکمنان به خراسان افزوده گشت و در نهایت با خارج شدن خراسان از سیطره غزنویان بخش مهمی از نیروی سیاسی و اقتصادی قلمرو از دست رفت و حکومت غزنویان به عقب رانده شد. طی سال‌هایی که میان غزنویان و ترکمنان درگیری بود، روند فعالیت‌های ارتباطی و تجاری خراسان کاهش یافت، زیرا منابع طبیعی و صنعتی این منطقه بر اثر جنگ‌ها و غارت‌های پی‌درپی آسیب فراوانی دیده و امنیت و آرامش از آن رخت بر بسته بود. البته به‌رغم یورش‌های ترکمنان و قحطی و مصایب طبیعی، خراسان و فرارود به لطف طلا و جواهرات هند طی قرن پنجم دوام آوردند.^۳ اگرچه این دوام آوردن به معنای سرزندگی و بالندگی نبود. علاوه بر سامانیان و غزنویان در شرق، باید از بویه‌یان یاد کرد که مقارن دو حکومت پیش‌گفته، بر مرکز، مغرب و جنوب ایران و همچنین عراق فرمان می‌راندند.

آل بویه

آل بویه همچون سامانیان حکومتی ایرانی‌نژاد بودند، با این تفاوت که اهل تشیع بودند. از سوی دیگر در قلمرو آنها تجارت خشکی و دریایی جریان داشت. نکته دیگر اینکه، برخلاف حکومت‌های سامانی و غزنوی، آل بویه به مرزهایی که بتوانند از طریق آن به واردات برده بپردازند دسترسی نداشتند. بنابراین، ارزیابی عملکرد آنان در تجارت و تراز اقتصادی نیازمند توجه به وضعیت مناطق تحت سلطه آنها در غرب، جنوب و مرکز ایران و همچنین تجارت دریایی آنان در خلیج فارس است. از تفاوت‌های حکومت دیپلمان در تجارت، در انحصار دولت در آوردن برخی از کالاها بود. صنعت پارچه‌بافی از صنایع رایج در نقاط مختلف ایران در دوره مورد بحث است که آل بویه کارخانه‌های دولتی تولید آن را بر پا ساخت. این کارخانه‌ها «طراز» نام داشتند. ایجاد کارخانه‌های دولتی تولید منسوجات ریشه در دوره باستان دارد. در اثر تعالی آمده است که بلاش ساسانی مردم هر ایالت را به تهیه مصنوعات خاص آن منطقه از قبیل «اشیای ظریفه و البسه» و چیزهای دیگر ملزم ساخت.^۴ بعید نیست آل بویه

۱. باسورث، تاریخ غزنویان، ص ۷۶.

۲. گردیزی، ص ۴۱۵.

۳. جرفادقانی، ص ۳۱۴.

۴. ابومنصور محمدبن عبدالملک تعالی، شاهنامه تعالی، ترجمه محمود هدایت (تهران: اساطیر، ۱۳۸۴)، ص ۲۸۰.

که سعی در تقلید از شاهان ساسانی داشت در این مورد نیز متأثر از آنها بوده باشد. با توجه به تجاری بودن مناطق مورد فرمانروایی آل بویه که به راه‌های خشکی و آبی متصل بودند و بارانداز تاجران مسیر ابریشم و دیگر راه‌ها به سمت شرق و جنوب به شمار می‌رفتند، گسترش صنعت پارچه‌بافی می‌توانست ضمن تقویت این صنعت بومی و حمایت از تولید آن، موجب ایجاد اشتغال و تقویت بنیه اقتصادی شود. تولید صنایع دستی و تولیدات کارگاهی از شیوه‌های معیشتی رایج در ساختار اقتصادی قلمرو آل بویه در دوره مورد بحث است که با مدیریت و بهسازی حاکمان بویهی رشد قابل توجهی کرد. بر این اساس، ارزش صادرات کالاهای تولیدی صنایع کارگاهی که با افزایش مازاد تولید همراه بود، بر تراز بازرگانی تأثیر گذاشت و افزایش تجارت خارجی این کالاها رونق اقتصادی را در پی داشت. ناگفته نماند تقویت و رشد کارگاه‌های تولیدی به معنی جدایی و استقلال این صنعت از کشاورزی و دامداری به‌عنوان دیگر ارکان ساختار اقتصادی نبود، بلکه با توجه به اینکه مواد اولیه تولیدات کارگاه‌ها و صنایع را فرآورده‌های دامی و کشاورزی تشکیل می‌دادند، این سه شیوه تولیدی در مجموع به هم وابسته بودند.^۱ نظر به اینکه منسوجات مهم‌ترین صنعت دوره مورد بحث است، مواد اولیه آن شامل پشم (فرآورده دامی)، پنبه، ابریشم و رنگ (فرآورده کشاورزی همچون نیل) نشانگر ارتباط و وابستگی شیوه‌های تولیدی در مجموع نظام اقتصادی است.

عضدالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۲ق)، بزرگ‌ترین امیر بویهی، اقدامات چندی در حمایت از تجارت منسوجات انجام داد و از این راه عایدات قابل توجهی کسب کرد. این به معنی افزایش توان اقتصادی حکومت و قلمرو بود چرا که این صنعت طرفداران بسیاری در بازارهای داخل و خارج داشت. وی در سال ۳۷۲ق تجارتخانه‌های خاصی برای تولید نخ، ابریشم و صنعت منسوجات ایجاد کرد و این کالاها را در انحصار دولت درآورد و همچنین از مالیات بر کالاهای تجاری سود برد.^۲ عضدالدوله برای تسهیل فعالیت‌های مبادلاتی و صنعتی محله‌های ویژه‌ای را احداث نمود. یکی از این محله‌ها محله «کرد فناخسرو (فنا خسروگرد)» در نیم فرسخی جنوب شیراز بود. در این محله که برای سپاهیان ساخته شده و به سوق الامیر معروف بود، بخش‌هایی ویژه برای پشم‌بافان، خزدوزان، پیشه‌وران و تاجران در نظر گرفته شده بود. بر منسوجات تولیدشده در کارگاه‌های این محله نام عضدالدوله را می‌نوشتند.^۳ این اقدام گام مؤثری در جهت رشد صنایع و تحت انحصار درآوردن آنها توسط حکومت به شمار می‌رفت.

۱. ناصر صدقی، «تحلیلی بر مناسبات نظام‌های اقتصادی و شیوه‌های تولیدی در تاریخ ایران با تأکید بر عصر سلجوقی»، *تاریخ ایران و اسلام الزهراء*، س ۲۷، دوره جدید، ش ۳۵، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۴۰.

۲. صباح ابراهیم سعید شیخلی، *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه هادی عالم‌زاده (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲)، ص ۱۱۴.

۳. ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲ (تهران: کومش، ۱۳۶۱)، ص ۶۴۲؛ ابن بلخی، *فارس‌نامه*، به اهتمام گای لسترنج و رینولد الن نیکلسون (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۱۳۳.

توجه بیش از پیش به تجارت منسوجات سبب شده بود که در هر یک از نواحی و شهرهای ایالت فارس کارگاه‌ها و صنایع مخصوص پارچه‌بافی دایر شود و چون این صنعت کالای مصرفی به حساب می‌آمد در داخل و خارج از مرزهای قلمرو آل بویه بازار فروش خوبی داشت و یکی از کالاهای عمده صادراتی بود. یکی از این شهرها کازرون بود که مقدسی آن را «دمیاط عجمان» نامیده است.^۱ رشد صنعت پارچه‌بافی در کازرون موجب شد عضدالدوله در این شهر بازاری برای فروش پارچه بنیان نهد و پیشه‌وران مربوط به این حرفه را در آنجا گردآورد. از این طریق درآمد سرشاری نصیب حاکمان آل بویه شد، چنانکه گزارش شده روزی ده هزار درهم عاید ایشان می‌گشت.^۲

با حمایت سلطان یا به قولی امیران بویهی، علاوه بر کازرون، در شهرهای دیگر ایالت فارس همچون فسا (پسا) و جهرم نیز مراکز تولید انواع متنوعی از پارچه‌ها و جامه‌ها (با تفاوت جنس و رنگ‌های متنوع) و کارگاه‌های ویژه برای تولید و صدور این کالاها برپا شده بود. در فسا پارچه‌های پشمی (سوسن جردی) و ابریشمی (القزی) خاص با نقش و نگارها و زربفت‌های متنوع، انواع پرده‌ها، پارچه‌هایی برای رختخواب، فرش‌های عالی و سفره‌های مخصوص سلاطین که نشانه‌های خاصی بر آنها می‌زدند و از نظر ارزش و قیمت بسیار گران‌بها بودند، تهیه می‌شد و فرمانروایان و دربار خلافت متقاضی ویژه و اصلی این کالاها بودند.^۳

دیگر ایالت تولیدکننده منسوجات خوزستان بود که با صادرات محصولات نساجی خود در تقویت و افزایش بنیة اقتصادی آل بویه مؤثر بود. خوزستان از دوران پیش از اسلام در تولید پارچه‌های دینا شهرت داشت. کیفیت کارخانه‌های تولید پارچه در خوزستان موجب شده بود تا چند شهر این ایالت از جمله قرقوب، سوس و شوشتر مراکز طراز سلطان بویهی باشند. چنانکه پوشش کعبه که معزالدوله دیلمی به مکه فرستاد از تولیدات خوزستان بود.^۴ کارگاه‌ها و پارچه‌های دیگر شهرهای خوزستان از جمله شوش، رامهرمز، عسکر مکرّم، بَصّنا (یکی از بخش‌های شوش) و جندی شاپور نیز مشهور بودند. در عسکر مکرّم مقنعه‌های ابریشمی، پوشاک و پارچه و دستمال‌های خاصی تولید می‌شد.^۵ پارچه‌های تولیدشده در خوزستان از اقلام پرسود و باارزش صادراتی بودند که به نقاط مختلف دنیا صادر می‌شدند. این امر در افزایش توان اقتصادی قلمرو بویه‌یان بسیار مؤثر بود و می‌توان گفت جنبه ارزآوری داشت.

تأثیر سیاست اقتصادی آل بویه در تقویت صنعت منسوجات منجر به رشد تجارت پارچه و در نتیجه

۱. مقدسی، ص ۶۴۲

۲. ابواسحاق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰)، ص ۱۳۴؛ مقدسی، ص ۶۴۲؛ علی اصغر فقیهی، شاهنشاهی عضدالدوله (تهران: انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۴۷)، ص ۱۵۱.

۳. اصطخری، ص ۱۱۳؛ ابن حوقل، ص ۶۶؛ مقدسی، ص ۶۵۸.

۴. اصطخری، ص ۹۲.

۵. مقدسی، ص ۶۱۳.

افزایش موقعیت تاجران پارچه شد. از سوی دیگر، پارچه‌فروشان (بزازان) نیز به دلیل تقاضای فراوان بازار و برخورداری از حمایت حکومت مرکزی، جایگاه بالایی در میان طبقات اجتماعی پیدا کردند. بنابراین، حمایت بویه‌پیمان از صنعت منسوجات موجب رشد و رونق تجارت پارچه و تاجران این حوزه شد. ضمن آنکه این امر از جامعه‌ای مرفه و گرایش حاکمان به کالاهای تجملی حکایت دارد. اقدامات امیران بویه‌پیمان به‌ویژه عضدالدوله در بخش‌های تحت فرمانروایی خویش باعث رشد بیش از پیش صنایع و رونق دوباره بازارها و کارگاه‌ها (به مانند دوره‌های پیش از اسلام) شد. این امر بی‌تأثیر از نزدیکی آل بویه به دیگر مراکز فرمانروایی نبود، چرا که خاندان بویه بر مناطق مختلف عراق، مرکز، غرب و جنوب ایران مسلط بودند. بویه‌پیمان با توجه به ظرفیت مناطق تحت سلطه خود هوشمندانه به تقویت نقاط قوت هر یک در زمینه تولید پرداختند که نتیجه‌اش رونق صنایع بومی در سرزمین‌های تحت حکومت آنها و به تبع آن افزایش اشتغال و صادرات بود که تأثیر مثبتی بر تراز بازرگانی داشت.

اما در زمینه امنیت نیز که بستر اقتصاد و به‌ویژه تجارت و فعالیت‌های تجاری است، حاکمان بویه اقداماتی انجام دادند که در ادامه می‌آید. در این زمان، مهم‌ترین کاری که در کرمان برای ایجاد فضای مناسب و آرام و تسهیل ارتباطات و معاملات انجام شد، سرکوب اقوامی به نام بلوچ و قفص (کوفج) در کوه‌هایی به اسم قفص بود. کوه‌های قفص از جنوب به خلیج فارس، از شمال به حدود جیرفت و از مشرق به بیابانی به نام مکران و از سوی مغرب به حدود مَنوقان و هرمز منتهی می‌شد. این اقوام در حوالی این کوه‌ها و بیابان مکران که در میان خراسان، سیستان، کرمان و فارس قرار داشت، مسکن داشتند و همواره دست به چپاول و راهزنی می‌زدند. عضدالدوله برای برقراری امنیت در مرزهای ورای کرمان و راه‌هایی که از کرمان شروع می‌شد و به سیستان، خراسان و فارس می‌رسید، نیروهایی برای مقابله با ایشان به کار گرفت.^۱ بدین ترتیب امنیت برقرار شد تا فعالیت‌های تجاری به خوبی انجام شود و کاروان‌های تجاری و مسافری با آرامش خیال در این مسیرها رفت و آمد کنند. علاوه بر این، برای آسایش بیشتر کاروان‌ها در راه‌ها، به‌ویژه در بین راه‌های بیابانی، علائم و گنبد‌های کوچک سنگی نصب شد تا مسافر دریابد چه مسافتی را پیموده یا در مواقع طوفانی راه را گم نکند و همچنین منازل و آب‌انبارهایی برای تأمین آب و آسایش مسافران و چارپایان به کار گرفته شد.^۲

بهاءالدوله (۳۸۸-۴۰۳ق)، دیگر حاکم بویه‌پیمان، در راه‌های بغداد تا خراسان «حماه الطریق» (نگهبانان راه) گماشت.^۳ این‌گونه اقدامات از توجه بیش از پیش بویه‌پیمان به امنیت مناطق تحت سلطه خود حکایت

۱. مفیزالله کبیر، ماهیگیران تاجران، ترجمه مهدی افشار (تهران: زرین، ۱۳۶۲)، ص ۶۹-۷۹؛ فقیهی، ص ۷۴؛ برتولد اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میراحمدی، ج ۲ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹)، ص ۲۶۴.

۲. ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش محمد دبیر سیاقی (تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۵۵)، ص ۱۶۸.

۳. فقیهی، ص ۷۷.

دارد که به تسریع و تسهیل هرچه بیشتر مبادلات تجاری در راه‌های خشکی نسبت به دوره‌های پیشین منجر شد که تقویت وضعیت اقتصادی را در پی داشت.

نکته دیگر به ورود نقدینگی به شکل سکه در دوره حکومت آل بویه و افزایش تراز بازرگانی مربوط می‌شود. قرن چهارم و دوره حکومت آل بویه اوج رونق تجاری بندر سیراف است که محل گرد آمدن تاجران از نقاط مختلف بود. در حفاری‌هایی که در سیراف انجام شده طیفی از سکه‌های اسپانیایی، هندی و چینی پیدا شده است که شکوه و رونق سیراف را در قرن چهارم در دوره آل بویه اثبات می‌کند. از سوی دیگر این مسکوکات نشان می‌دهند دادوستد در شهر با سکه‌های خارجی رایج بوده است. ناگفته نماند که تعداد سکه‌های چینی یافت‌شده بیش از سایرین است.^۱ به زبان امروز می‌توان گفت این مسکوکات خارجی نشانگر ارزآوری بندر سیراف است که یکی از عوامل مهم رونق اقتصادی و تراز بازرگانی مثبت به شمار می‌رود. در واقع بندر سیراف و شهر شیراز، مرکز ایالت فارس، بیش از همه از بازگشت نیروی اقتصادی و سیاسی به شاهان ایرانی دیلمی‌تبار استفاده بردند.^۲ سیراف بخش مهمی از مالیات فارس را تأمین می‌کرد که این از ثروت قابل ملاحظه آن حکایت می‌کند. به نوشته ابن بلخی در زمان عضدالدوله فارس، کرمان و عمان در اوج رونق اقتصادی بودند.^۳ تاجران یهودی در سیراف با اقیانوس هند و مدیترانه تجارت فعالی داشتند و بنا به گزارش بنیامین طلیطله‌ای ۵۰۰ یهودی در سیراف اقامت داشتند.^۴ در بیان اهمیت نقش سیراف در ارزآوری و تراز بازرگانی مثبت می‌توان به آمار و ارقام موجود در این زمینه اشاره کرد. به گزارش منابع، درآمد عضدالدوله از فارس و گمرکات سیراف و مهروبان دو میلیون و صد و پنجاه هزار دینار از مجموع کل درآمد یعنی سه میلیون و چهل و شش هزار دینار بود.^۵ اصطخری در بیان انباشت سرمایه در سیراف از بازرگانانی یاد می‌کند که سرمایه آنها میلیون‌ها درهم بود.^۶ امنیت سیراف موجب جذب تاجران بصره شد که به دلیل ناامنی بصره در نتیجه شورش زنگیان، سرمایه خود را به سیراف منتقل کردند و در آنجا فعالیت اقتصادی خود را ادامه دادند.^۷ به این ترتیب نقش حمایتگر آل بویه در جذب ثروت و افزایش توان اقتصادی قلمرو و در نتیجه تراز اقتصادی مثبت قابل توجه است.

سیراف به دلیل نقش ترانزیتی که در صادرات کالاهای مختلف به مناطق دور و نزدیک هند، چین

1. Hamidreza Pashazanous, Majid Montazer Zohouri, "Sea Trade between Iran and China in the Persian Gulf based on the Excavations of Sirāf City", *Indian Journal of Economics and Development*, Vol 2 (2)(February 2014), p. 11.

2. Thomas M. Ricks, "PERSIAN GULF seafaring and east Africa ninth-twelfth centuries", *African Historical Studies*, Vol. 3, No. 2 (1970), pp. 339-357.

۳. ابن بلخی، ص ۱۷۲.

4. Elkan Nathan, p. 60.

۵. ابن بلخی، ص ۱۷۲.

۶. اصطخری، ص ۱۳۴.

۷. داوود یحیایی، «بازرگانی دریایی سیراف در سده‌های نخستین اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۴، ش ۷ (بهار و تابستان ۸۷)، ص ۹۴.

و افریقا داشت، ارزآور بود. به این ترتیب که شهرهای پس کرانه‌ای ثروتمند همچون فیروزآباد، فسا، دارابجرد، کازرون و شیراز که دارای تولیدات گوناگونی بودند، کالاهای مختلف دامی، کشاورزی و کالاهای ساخته‌شده همچون منسوجات خود را از طریق سیراف صادر می‌کردند. علاوه بر آن، کرمان، اصفهان و خراسان نیز بخشی از صادرات خود را از طریق سیراف انجام می‌دادند.^۱ رونق تجارت دریایی بندر سیراف موجب رشد صادرات محصولات و کالاهای تولیدشده نه تنها در قلمرو بویه‌پیمان که خارج از مرزهای آن شد، چرا که سیراف محل ورود و بارگیری کشتی‌های بسیار از نقاط مختلف دنیا بود. این امر نشان از بین‌المللی بودن تجارت در این منطقه داشت. صادرات کالاها از سیراف به نقاط دور دست افزایش ثروت مردم و حکومت را در پی داشت که خود متأثر از تراز بازرگانی مثبت بود. سکه‌های فراوان کشف‌شده از حفاری‌های سیراف که متعلق به سرزمین‌های مختلف دنیا از جمله چین، اسپانیا و افریقا هستند تأییدی بر این امر است.^۲ زیرا مسکوکات، به عنوان ارز مورد مبادله، پشتوانه اقتصاد به شمار می‌روند و جذب مسکوکات از طریق سیراف نشان‌دهنده سیاست‌گذاری مؤثر آل بویه در جهت حفظ نقدینگی و تراز بازرگانی مثبت است.

می‌توان تجارت دریایی را مهم‌ترین منبع ثروت آل بویه دانست که با نیازسنجی و هدف‌گذاری صحیح آنها هدایت شد. نتیجه این امر افزایش صادرات از مسیرهای دریایی در این دوره بود. با توجه به اینکه قلمرو تحت حکومت آل بویه مرکز تولید انواع محصولات کشاورزی (زعفران، گور، شکر خوزستان)، کالاهای ساخته‌شده همچون پارچه‌های مختلف برای مقاصد گوناگون و فرآورده‌هایی از قبیل عرقیات (بیدمشک، گور)، عطریات (بیشابور) و ادویه‌جات (زیره جیرفت) بود، بندر پرونق سیراف نقش مهمی در صادرات این محصولات داشت که در ایجاد تراز بازرگانی مثبت مؤثر بود.

تغییر خلافت به بغداد، رونق اقتصادی فزاینده عراق و جهان اسلام و ثبات سیاسی عباسیان امنیت هرچه بیشتری برای مسیرهای تجاری خشکی و دریایی تاجران ایرانی و عرب فراهم کرد. خلیج فارس که در نزدیکی امپراتوری عباسی قرار داشت، بیشترین نفع را از این امنیت و رونق می‌برد که نتیجه آن شروع یک عصر طلایی برای تاجران خلیج فارس بود.^۳ تجارت و راه‌ها از جمله منابع ثروت حاکمان در دوره مورد بحث بود. از این رو آنها در پی نظم و نسق امور تجاری و تأمین امنیت راه‌ها بودند. عضدالدوله دیلمی حتی کوشید برای خرید و فروش چارپایان، آسیاب‌ها، کالاهای صادراتی و وارداتی عوارضی تعیین کند و مبالغی از فعالیت‌های یخچال‌داری و تولید نخ و منسوجات ابریشمی را به حکومت اختصاص دهد، در صورتی که قبل از آن تمام افرادی که خواهان وارد شدن به این حوزه معاملات بودند، اجازه تهیه و

2. 63. Pashazanous, Zohouri, p. 11.

3. Ricks, pp. 344.

خرید و فروش این محصولات با ارزش را داشتند.^۱

در پایان باید از تأثیر اختلافات سیاسی و نابه‌سامانی اوضاع در اواخر کار دیلمیان بر تجارت کلی نواحی مختلف تحت سلطه ایشان سخن به میان آورد. رقابت‌های سیاسی بعد از مرگ عضدالدوله دیلمی از سر گرفته شد. در طی این سال‌ها، به‌ویژه در سال ۳۶۳ق، طی درگیری‌ای که در محله کرخ بغداد پیش آمد به اموال مردم و بازرگانان دست‌درازی شد.^۲ تضعیف امیران بویه‌ی موجب سر برآوردن گردنکشان شد. چنانکه حکام اقوام شبانکاره و کرد در فارس موجبات ناامنی این ایالت را فراهم کردند.^۳ بروز ناامنی و هرج و مرج در نبود حکومت مقتدر مرکزی از موانع رشد و رونق تجارت در فارس پس از حاکمیت آل‌بویه بود که تأثیرات منفی آن بر تجارت خلیج‌فارس نیز نمودار شد. سقوط تجارت در راه‌های منتهی به سیراف از مهم‌ترین تأثیرات زوال قدرت بویه‌یپان و ناامنی حاصل از آن بود که ایالت فارس را مشوش ساخته بود. سیراف به‌عنوان بندر مهم خلیج‌فارس در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم از رونق افتاد که خود منجر به رکود اقتصادی فارس شد. به عبارت دیگر، با ناتوانی آل‌بویه در تأمین امنیت، دوره رشد و رونق اقتصادی ایالت فارس و به‌ویژه بندر مهم آن، سیراف، نیز به سر رسید. این امر نشانگر کارکرد مهم حکومت‌ها در ایجاد بستر مناسب و تأمین امنیت برای رشد و رونق فعالیت‌های اقتصادی و به‌ویژه تجارت است.

نتیجه‌گیری

از قرن سوم تا اواخر قرن پنجم دوره حکومت‌های متقارن سامانی و غزنوی در شرق و آل‌بویه در غرب، مرکز و جنوب ایران است که با توجه به موقعیت جغرافیایی قلمرو خود بر تجارت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصادی، تأثیرات دیرپایی نهادند. سیاست‌های اقتصادی این حکومت‌ها در زمینه تجارت که متناسب با جغرافیای مناطق تحت سلطه بود، نتایج خاصی بر وضعیت اقتصادی و به‌ویژه تراز بازرگانی داشت. سامانیان تجارت واردات برده را تقویت کردند، حال آنکه آل‌بویه به صنعت منسوجات که بومی ایران بود، توجه نشان دادند. در مقابل، غزنویان با وارد کردن بردگان از هند، به‌عنوان غنایم جنگی، نیروی انسانی رایگان به اقتصاد تزریق کردند. به عبارت دیگر، در مقابل رونق تجارت برده در قلمرو سامانیان و غزنویان، در قلمرو آل‌بویه تجارت پارچه از اهمیت برخوردار بود. از سوی دیگر هر سه حکومت اقدامات مشابهی انجام دادند که بیانگر کارکرد مورد انتظار از سنت‌های پادشاهی ایرانی-اسلامی است. عمده‌ترین این اقدامات عبارت‌اند از: ایجاد امنیت در مرزهای قلمرو تحت سلطه، ضرب

۱. کبیر، ص ۲۵۶؛ فقیهی، ص ۴۲۶.

۲. ابوعلی مسکویه رازی، تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۶ (تهران: توس، ۱۳۷۶)، ص ۳۹۶.

۳. ابن بلخی، ص ۱۶۴.

سکه با عیار بالا و حفظ عیار آن، حفظ امنیت راه‌ها با سرکوب راهزنان و ایجاد تسهیلات تردد و مسافرت در راه‌ها با احداث کاروانسرا، رباط، پل، چاه آب و نصب علائم راهنمایی در راه‌های بیابانی که ابداع میل در همین جهت بود. اما ضعف و زوال این حکومت‌ها که با جنگ و ناامنی همراه بود، در رکود تجارت و فعالیت‌های اقتصادی تأثیر بسزایی داشت. سامانیان که در شرق و شمال شرقی ایران حکومت می‌کردند، متأثر از قلمرو مرکزی خود یعنی فرارود که از قدیم محل تجارت و دادوستد بود، در رونق بازرگانی به‌ویژه تجارت خارجی مؤثر واقع شدند. تجارت خارجی با چین، آسیای میانه و اروپای شرقی در این دوره گسترش و رونق یافت. حجم بسیار زیاد سکه‌های سامانی یافت‌شده در اروپای شمالی و شرقی نمایانگر خروج حجم عظیمی از نقدینگی از قلمرو سامانیان است که به پشتوانه منابع طلا و نقره فرارود برای تجارت با اروپای شمالی و شرق در قرن چهارم ضرب می‌شد. البته این امر افت اقتصادی سامانی را در پایان این قرن در پی داشت که نتیجه تراز بازرگانی منفی و خروج ارز بود. مسکوکات خارج‌شده از قلمرو سامانیان وارد چرخه اقتصادی اروپای شمالی و شرقی (به‌ویژه قلمرو روس‌ها) شد. در حالی که سامانیان با واردات برده و سایر کالاها موجب از دست رفتن حجم عظیمی از نقدینگی شدند، غزنویان با وارد کردن بردگان به‌عنوان غنایم جنگی بنیه اقتصادی قلمرو تحت سلطه خود را تقویت کردند. غزنویان که بر شرق ایران حاکم بودند با پیشروی به سوی هند ذخایر عظیمی از طلا و جواهرات را به همراه بردگان وارد ایران کردند که این حجم بسیار نقدینگی بر تجارت و اقتصاد تأثیرات مثبت و ماندگاری داشت. در واقع می‌توان گفت ارزآوری مهم‌ترین نتیجه این اقدامات بود. ضرب سکه طلا با عیار بالا به همراه نیروی کار ارزان بردگان موجب تقویت بنیه اقتصادی سرزمین‌های شرقی ایران شد که با وجود جنگ و مصائب طبیعی در قرن پنجم مانع از رکود و زوال اقتصادی شد. از سوی دیگر آل بویه که بر مرکز و مغرب ایران حاکم بودند راه متفاوتی در تجارت در پیش گرفتند. آنها با حمایت از صنعت بومی منسوجات و ایجاد کارگاه‌های طراز در مناطق مختلف موجب اشتغال‌زایی و تقویت بنیه اقتصادی شدند. ارزش و کیفیت پارچه ایرانی تا بدان حد مطلوب بود که معزالدوله دیلمی پارچه تولیدشده از طراز خوزستان را برای پوشاندن کعبه فرستاد که شاید بتوان گفت جنبه تبلیغی و بازاریابی نیز داشت. در واقع آل بویه، در قیاس با دو حکومت پیش‌گفته، متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری مناطق تحت سلطه (در خشکی و دریا) در سیاست اقتصادی خود دست به ابتکار عمل زد که تقویت صنعت بومی و ایجاد بازار فروش و در نتیجه ارزآوری و افزایش نقدینگی از طریق تجارت کالاهای داخلی را در پی داشت. مسکوکات یافت‌شده از ملل مختلف در سیراف شاهی بر این امر است.

کتابنامه

- ایزدی، حسین و حسینی، سید محمد. «بخارا و نقش سامانیان در شکوفایی آن»، *تاریخ اسلام*، س ۱۶، ش ۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۵-۱۳۹.
- ابن بلخی. *فارس نامه*، به اهتمام گای لسترنج و رینولد ال نیکلسون، ج ۲، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- ابن حوقل. *سفرنامه ابن حوقل*، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- اشپولر، برتولد. *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. *مسالک و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.
- بارتولد، و. *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه غفار حسینی، تهران: توس، ۱۳۶۷.
- باسورث، کیلفورد ادموند. *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- باسورث، ک. ا. «دوره اول غزنوی»، در *تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)*، به کوشش ر. ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- باسورث، ک. ا. «طاهریان و صفاریان»، در *تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)*، به کوشش ر. ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- بیهقی، ابوالفضل محمد. *تاریخ بیهقی*، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳.
- پرگاری، صالح. «پاره‌ای از عوامل تکوین ساختار اقتدار در حکومت سامانیان»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، ش ۳۲، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹-۱۴۳.
- پرگاری، صالح. «فروپاشی ساختاری قدرت غزنویان»، *علوم انسانی الزهراء*، س ۱۳، ش ۴۶-۴۷، ۱۳۸۲، ص ۴۳-۶۶.
- ثعالی، ابومنصور محمد بن عبدالملک. *شاهنامه ثعالی*، ترجمه محمود هدایت، اساطیر، ۱۳۸۴.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر. *ترجمه تاریخ یمنی*، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- خدادادی، عزت‌اله. «تحلیل جامعه‌شناختی اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی دوره سامانیان»، س ۱۳، ش ۲، اسفند ۱۳۹۷، ص ۱۶۳-۱۹۴.
- ساندرز، ج. *تاریخ فتوحات مغول*، ترجمه ابوقاسم حالت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- شیخلی، صباح ابراهیم سعید. *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه هادی عالم‌زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- صدقی، ناصر. «تحلیلی بر مناسبات نظام‌های اقتصادی و شیوه‌های تولیدی در تاریخ ایران با تأکید بر عصر سلجوقی»، *تاریخ ایران و اسلام الزهراء*، س ۲۷، دوره جدید، ش ۳۵، پاییز ۱۳۹۶.
- فرای، ر. ن. *بخارا دستاورد قرون وسطی*، ترجمه محمود محمودی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- فرای، ر. ن. *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (کمبریج)*، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- فرای، ر. ن. «سامانیان»، در *تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)*، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- فقیهی، علی اصغر. *شاهنشاهی عضدالدوله*، تهران: انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۴۷.

کبیر، مفیزالله. ماهیگیران تاجدار، ترجمه مهدی افشار، تهران: زرین، ۱۳۶۲.
گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود. تاریخ گردیزی، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.

گروسه، رنه. امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین مکیده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
مایلز، ج. ک. «سکه‌شناسی»، در تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، به کوشش ر. ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.

مظاهری، علی. زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه مرتضی راوندی، تهران: مرکز نشر سپهر، ۱۳۴۸.
مسکویه رازی، ابوعلی. تجارب الامم و تعاقب الهمم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۵، تهران: توس، ۱۳۷۶.
مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، تهران: اکومش، ۱۳۶۱.

مکی، محمد کاظم. تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
نوع پسند اصیل، سید محمد و عیسوی، هیرو. «سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی»، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، س ۲، ش ۲، پاییز ۱۳۹۲، ص ۹۹-۱۲۵.

ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش، محمد دبیر سیاقی، ج ۲، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۳۵.
نرشخی، محمد بن جعفر. تاریخ بخارا، ترجمه محمد بن جعفر، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، توس: ۱۳۳۵.
یحیایی، داوود. «بازرگانی دریایی سیراف در سده‌های نخستین اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۴، ش ۷، بهار و تابستان ۸۷، ص ۹۴.

وثوقی مطلق، رجبعلی. «روابط آل بویه و مصر»، پژوهشنامه تاریخ، س ۳، ش ۸، مهر ۱۳۸۶، ص ۱۴۶-۱۸۰.

Adler, Elkan Nathan. Jewish travellers, London: G. Routledge. 1930.

Gottesman, Brian. *World History Encyclopedia*, https://www.academia.edu/4810010/The_Empire_of_the_Khazars, (2011).

Kovalev, Roman. "Dirham mint output of Samanid Samarqand and its connection to the beginnings of trade with northern Europe (10th century)", *Histoire & mesure* XVII, 3/4 2002 Monnaie et espace.

Michailidis, Melanie. "Samanid silver and trade along the fur route", In *Medieval Encounters* 18, 2012, pp. 315-338.

Pashazanous, Hamidreza Majid Montazer Zohouri. "Sea Trade between Iran and China in the Persian Gulf based on the Excavations of of Sirāf City", *Indian Journal of Economics and Development*, Vol 2 (2), 6-13, February 2014.

Ricks, Thomas M. "PERSIAN GULF seafaring and east Africa ninth-twelfth centuries", *African Historical Studies*, Vol. 3, No. 2, 1970, pp. 339-357.

Xinjiang, Rong. *sogdian merchants and sogdian culture on the silk road merchants-and-sogdian-culture-on-the-silk-road*, <https://www.cambridge.org/core/terms>. 2018.